



دیدگاه‌های چندگانه فلسفه آفرینش و رابطه خدا با جهان

حجت الاسلام قدردان قراملکی در نشست «راز خلقت، بازخوانی، رابطه خدا با عالم هستی» به تبیین دیدگاه‌های چندگانه فلسفه آفرینش و رابطه خدا با جهان پرداخت.

حجت الاسلام قدردان قراملکی در نشست «راز خلقت، بازخوانی، رابطه خدا با عالم هستی» به تبیین دیدگاه‌های چندگانه فلسفه آفرینش و رابطه خدا با جهان پرداخت.

به گزارش خبرگزاری مهر، حجت الاسلام محمد حسن قدردان قراملکی، عضو هیات علمی گروه کلام پژوهشکده حکمت و دین‌پژوهی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی در دومین نشست از سلسله نشست‌های تخصصی مسایل نوین کلامی با عنوان «راز خلقت، بازخوانی، رابطه خدا با عالم هستی» که در دفتر تبلیغات اسلامی خراسان رضوی برگزار شد گفت: درباره فلسفه آفرینش و رابطه خدا با جهان دیدگاه‌های چندگانه وجود دارد.

وی با بیان اینکه یک دیدگاه نفی رابطه‌ی بین خدا و جهان است، تصریح کرد: بر اساس این دیدگاه بر این موضوع تأکید می‌شود که بین خدا و جهان رابطه‌ی نیست چرا که خدا و جهان از ازل بوده‌اند.

عضو هیات علمی گروه پژوهشکده حکمت و دین‌پژوهی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی با اشاره به این مطلب که در این دیدگاه خدا و جهان در عرض هم بوده‌اند و هر دو ازلی هستند، اظهار کرد: در واقع هر دو موازی یکدیگر هستند و تلاقی ندارند.

وی با بیان اینکه برخی فلاسفه معروف از جمله ارسطو درباره اینکه خدا و جهان با هم رابطه ای ندارند گفته اند که آیا خداوند دنبال علت فاعلی بوده است، بیان داشت: از افلاطون نیز دو دیدگاه درباره خداوند وجود دارد.

حجت الاسلام و المسلمین قراملکی با بیان اینکه در دیدگاه اول افلاطون خداوند صنعت گراست، اظهار کرد: در این دیدگاه جهانی بوده است که خداوند به جهان صنع و صنعتی می‌بخشد و به همین دلیل گفته می‌شود که خدای افلاطون صنع است.

وی با بیان اینکه نظریه افلاطون درباره رابطه خدا و جهان در اسلام طرفدارانی ندارد، اظهار کرد: نظریه دوم درباره رابطه خدا و جهان، نظریه متکلمان است که ۷۰ درصد عالمان دینی مسیحی و مسلمان آن را پذیرفته‌اند که نظریه خلقت از عدم و خداوند بوده است.

عضو هیات علمی گروه کلام پژوهشکده حکمت و دین‌پژوهی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی افزود: اگر بگوییم رابطه متکلمان درست است نظریه دوم متکلمان هم که خداوند جهان را از عدم خلق کرده است قابل بررسی است و رابطه خدا با جهان و فاعل و خالق با مفعول و مخلوق نیز نظریه دیگری است.

وی با بیان اینکه نظریه دیگر رابطه فاعل و مخلوق است، تصریح کرد: در این رابطه خداوند جهان را از ابداع آفرید بدان معنا که جهان در ابتدا نبوده است.

حجت الاسلام و المسلمین قراملکی با اشاره به این مطلب که نظریه سوم، نظریه فلاسفه است که از نوع صدور می‌باشد، تصریح کرد: در این نظریه آنها نمی‌گویند که خداوند فاعل جهان است بلکه می‌گویند خداوند علت تامه است.

وی ادامه داد: وقتی خداوند علت تامه بشود جهان هم معلول خداوند است، در این نظریه، رابطه خداوند هم رابطه علت با خالق است که اگر نظریه متکلمان را بپذیریم که خداوند فاعل و جهان مفعول است این سوال پیش می‌آید که خداوند جهان را از کجا آفریده است.

این استاد پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی با بیان اینکه اگر این سوال مطرح شود، متکلمان ما هم همین نظریه

دوم را می گویند، خاطرنشان کرد: نظریه دوم این موضوع است که جهان نیوده است و خداوند جهان را آفریده است که جهان در نظریه دوم وجوه و سابقه‌ها ندارد.

وی با بیان اینکه در نظریه سوم فلاسفه می‌گویند که جهان سابقه حضوری داشته بدین معنا که جهان قبل از خلقت بوده است، اظهارکرد: در این تعریف جهان به دوگونه است که یکی وجود تفسیری است.

حجت الاسلام قراملکی ادامه داد: در نظریه سوم، رابطه خدا با جهان هستی علت و معلول وجود ندارد و به صورت تصویری است که مثال آن رابطه نفس با روح است که انسان در ذهن خودش صورت‌های ذهنی را ایجاد می‌کند که این صورت‌های ذهنی همان خداوند هستند.